یادداشت

مروری بر سه فیلم اروپایی اصغر فرهادی به انگیزه انتشار «داستان‌های موازی»

گذر از جهان فرهادی یا گمراهی در سه‌گانه‌ای ناخواسته

محمد بندرعباسی: امروزه و با اکران سومین فیلم اروپایی اصغر فرهادی، «داستان‌های موازی» (Parallel Tales / Histoires parallèles)، در جشنواره کن ۲۰۲۶، حالا می‌توان یک مسیر مشخص را در کارنامه بین‌المللی این فیلم‌ساز دنبال کرد؛ مسیری که از «گذشته» در کن ۲۰۱۳ آغاز شد، با «همه می‌دانند» در کن ۲۰۱۸ ادامه یافت و شش سال بعد به «داستان‌های موازی» رسید. هر سه فیلم در بخش مسابقه کن دیده شدند و هر سه، فرهادی را در مواجهه با سینما و زبان فرهنگی اروپا آزمودند. از همین رو، بررسی واکنش منتقدان به این سه فیلم، به‌نوعی بررسی تغییر نگاه سینمای جهان به فرهادی نیز هست.

«گذشته»؛ موفق‌ترین آغاز اروپایی

«گذشته» نخستین تجربه تمام‌عیار فرهادی در اروپا بود؛ فیلمی محصول فرانسه و ایتالیا با بازی برنیس بژو، طاهر رحیم و علی مصفا که در سال ۲۰۱۳ در مسابقه کن به نمایش درآمد و ۱۳۰ دقیقه زمان داشت. واکنش منتقدان در کن به‌طور کلی مثبت بود. میانگین ثبت‌شده در جدول منتقدان کن ۶.۴ از ۱۰ بر اساس ۸۹ رأی بود؛ فیلم در رتبه پنجم مسابقه قرار گرفت. «گاردین» آن را ادامه‌ای قدرتمند برای دغدغه‌های فرهادی درباره خانواده، صمیمیت و اثر ویرانگر گذشته دانست و Variety نیز آن را یک ملودرام خانوادگی بسیار دقیق و ساخته‌شده توصیف کرد. مهم‌تر از نقدها، نتیجه جشنواره بود، چراکه برنیس بژو جایزه بهترین بازیگر زن را گرفت و خود فیلم نیز جایزه هیئت داوران جهانی/اکومنیکال را دریافت کرد. از همه این موارد گذشته، «گذشته» نامزد نخل طلا هم بود. از نظر تجاری، فیلم با بودجه‌ای حدود هشت میلیون دلار ساخته شد و حدود ۱۲.۶۷ میلیون دلار در جهان فروش داشت؛ بیش از ۷.۶۳ میلیون دلار آن در فرانسه حاصل شد. امتیازهای نهایی نیز تصویر روشنی از استقبال می‌دهند: ۹۳ درصد در Rotten Tomatoes بر اساس ۱۴۴ نقد، با میانگین ۸.۲ از ۱۰ و ۸۵ از ۱۰۰ در Metacritic بر اساس ۴۱ نقد. به این ترتیب درباره نخستین اثر اروپایی این کارگردان می‌توان گفت «گذشته» در واقع ثابت کرد فرهادی می‌تواند زبان و جغرافیا را عوض کند، بدون اینکه موتور اخلاقی سینمایش را از دست بدهد.

«همه می‌دانند»؛ وقتی فرهادی اسپانیایی شد

پنج سال بعد، فرهادی با «همه می‌دانند» (Everybody Knows / Todos lo saben) دوباره به مسابقه کن برگشت؛ این بار با فیلمی کاملا اسپانیایی‌زبان و با حضور پنه‌لوپه کروز، خاویر باردم و ریکاردو دارین. فیلم ۱۳۲ دقیقه بود و به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره کن ۲۰۱۸ نمایش داده شد. این بار، فاصله میان اعتبار فرهادی و واکنش اولیه منتقدان محسوس بود. جدول منتقدان Screen Daily برای فیلم میانگین ۱.۸ از چهار ثبت کرد؛ امتیازی متوسط و بسیار پایین‌تر از جایگاه مورد انتظار از فیلم‌سازی در سطح فرهادی. مشکل اصلی منتقدان، نه بازیگران و نه کارگردانی، بلکه فیلم‌نامه و کشمکش روایت بود. برخی معتقد بودند فرهادی در انتقال الگوی درام خانوادگی خود به فرهنگ اسپانیا، بخشی از ظرافت آثار ایرانی‌اش را از دست داده است. با این حال، نقدهای مثبتی هم وجود داشت؛ IndieWire به فیلم B+ داد و برخی منتقدان تعلیق، بازی‌ها و توانایی فرهادی در ساخت شبکه‌ای از سوءظن و راز را ستودند. در ارزیابی نهایی، فیلم در Metacritic امتیاز ۶۸ از ۱۰۰ گرفت و در IMDb امتیاز فعلی آن ۶.۹ از ۱۰ است. از نظر اقتصادی اما «همه می‌دانند» موفق‌تر بود؛ با بودجه حدود ۱۱.۸ میلیون دلار، فروش جهانی آن به حدود ۱۹.۷ میلیون دلار رسید؛ شامل ۲.۶۶ میلیون دلار در آمریکای شمالی و حدود ۱۷.۰۴ میلیون دلار در بازارهای بین‌المللی. در نتیجه، دومین فیلم اروپایی فرهادی برخلاف «گذشته» جایزه‌ای از کن نگرفت و شکاف میان استقبال عمومی از اعتبار فیلم و نگاه منتقدان آشکارتر شد.

«داستان‌های موازی»؛ نقطه گسست در سینمای اروپایی فرهادی

سومین تجربه اروپایی فرهادی، «داستان‌های موازی»، در کن ۲۰۲۶ در مسابقه اصلی به نمایش درآمد؛ فیلمی فرانسوی‌زبان با بازی ایزابل هوپر، ویرژینی افیرا، ونسان کسل، پیر نینی و آدم بسا. مدت فیلم ۱۴۰ دقیقه است و محصول فرانسه، بلژیک و ایتالیا محسوب می‌شود. اما این بار استقبال منتقدان به‌وضوح سردتر بود. میانگین جدول منتقدان کن حدود ۶.۳۳ از ۱۰ ثبت شد، اما پراکندگی آرا بسیار بالا بود؛ یعنی فیلم به‌شدت دوقطبی شد. در ارزیابی‌های پس از جشنواره، تصویر حتی روشن‌تر است: Metacritic امتیاز ۴۱ از ۱۰۰ بر اساس ۱۷ نقد دارد؛ ۱۴ نقد در محدوده متوسط و سه نقد منفی ثبت شده‌اند. در Rotten Tomatoes نیز فیلم تا داده‌های موجود ۱۹ درصد از ۳۱ نقد را به دست آورده است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

نگاهی به انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به نودونهمین دوره جوایز اسکار

راه پرپیچ‌وخم سینمای ایران تا اسکار

بهناز شیربانی: امسال در واپسین ساعت‌های معرفی فیلم برای معرفی به آکادمی اسکار، برای دومین بار فیلمی از بابک خواجه‌پاشا «سرزمین فرشته‌ها» به عنوان نماینده رسمی ایران انتخاب شد.

ایرج طهماسب، فرهاد توحیدی، محمود کلاری، سیدعلیرضا حسینی و محمدرضا تشکری از جمله اعضای حاضر در جلسه هیئت انتخاب نماینده سینمای ایران بودند.

اما به نظر می‌رسد حواشی انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به آکادمی اسکار به نسبت سال‌های گذشته کمتر است. مدتی قبل و در فرصت باقی‌مانده به پایان مهلت معرفی نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار، فیلم «دانه‌های انگور» جدیدترین ساخته ابراهیم ابراهیمیان که با بازی رضا عطاران و نوید محمدزاده و به تهیه‌کنندگی ابراهیم عامریان ساخته شده، اکران محدودی را تجربه کرد تا طبق قوانین آکادمی اسکار در فهرست گزینه‌های مورد بررسی قرار گیرد. همچنین فیلم «سرزمین فرشته‌ها» به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا در چند سانس محدود نمایش داده شد.

بحث بر سر حضور پررنگ خانه سینما در انتخاب و معرفی فیلم ایرانی به آکادمی اسکار و اعلام مواضع بنیاد سینمایی فارابی سال گذشته بحث‌های دنباله‌داری را ایجاد کرد و چندی پیش محمدمهدی عسگرپور، رئیس هیئت‌رئیسه خانه سینما، درباره شرایط امسال انتخاب فیلم ایرانی به آکادمی اسکار به ایسنا گفت: «آکادمی اسکار پارسال مقررات انتخاب فیلم خارجی‌زبان را تغییر داد که به گمان من بیشتر به‌خاطر سوءتفاهم‌هایی بود که خودمان (از جمله در بنیاد فارابی) داشتیم. خوب است این موضوع تحقیق شود که دقیقا کدام بخش از این تغییرات، مرجع انتخاب فیلم را متاثر کرده است. در کجای دنیا غیر از ایران چنین مسئله‌ای وجود داشته با اصرار بر اینکه نقش اول همچنان دولت باشد؟ این موضوع به نظرم به ضرر همه تمام شده است».

و حالا سرانجام پس از اینکه خانه سینما به‌طور رسمی مشارکتی در کمیته انتخاب فیلم برای معرفی به اسکار نداشت، «سرزمین فرشته‌ها» پس از موفقیت در جشنواره فیلم فجر و در شرایطی که حضور بین‌المللی خود را نیز آغاز کرده، به اسکار رسیده است. این فیلم در جشنواره فیلم مسلمانان کازان و سلیمانیه عراق به نمایش درآمده است. «سرزمین فرشته‌ها» محصول مشترک مؤسسه تصویرشهر و سازمان سینمایی سوره، با رویکردی بین‌المللی، روایتی انسانی از جنگ و بحران در غزه را به تصویر می‌کشد. این فیلم در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر هم با کسب پنج سیمرغ بلورین و هشت دیپلم افتخار از پرجایزه‌ترین آثار جشنواره سال قبل بود. سولاف فواخرجی، بازیگر مطرح سوری به عنوان بازیگر اصلی ایفای نقش می‌کند و در کنار او بازیگران کودک عرب، ایرانی، سوری و لبنانی چون علی ذیب، فاطمه المعصومه زریق، اهورا لطفی، محمد اسد، زهرا فاضل، فاطمه مریش، علیرضا علاو نیز حضور دارند.

«سرزمین فرشته‌ها» نخستین نمایشش را در جشنواره چهل‌وچهارم فیلم فجر تجربه کرد و نظرات متفاوتی را از اهالی سینما دریافت کرد. برخی از منتقدان معتقدند «سرزمین فرشته‌ها» بیش از آنکه بر روایت استوار باشد، بر تصویرسازی شاعرانه و حس‌برانگیز تکیه می‌کند. فیلم از همان ابتدا تکلیف خود را با مخاطب روشن می‌کند: قرار نیست با یک درام پیچیده یا پرکشش روبه‌رو باشیم، بلکه با مجموعه‌ای از تصاویر نمادین و استعاره‌هایی کودکانه مواجهیم که قرار است رنج جنگ را بازتاب دهند.

برخی دیگری از منتقدان نیز می‌گویند «سرزمین فرشته‌ها» فیلمی است با دیالوگ‌های قوی و حساب‌شده. دیالوگ‌ها به‌درستی با جهان شخصیت‌ها هماهنگ‌اند و توانسته‌اند بار عاطفی و معنایی روایت را منتقل کنند. فیلم‌نامه نیز از نظر پرداخت موقعیت‌ها، شخصیت‌پردازی و ساخت فضای احساسی، قابل دفاع و حتی در بسیاری از لحظات تحسین‌برانگیز است. با این حال، مهم‌ترین ضعف فیلم دقیقا در نقطه‌ای قرار دارد که باید موتور محرک روایت باشد: داستان. فیلم عملا داستان مشخص و پیش‌رونده‌ای برای بیان‌کردن ندارد و بیش از آنکه بر یک خط روایی منسجم تکیه کند، به مجموعه‌ای از موقعیت‌های بمبارانی و بحرانی بسنده کرده است. گرچه تلاش شده ساختار روایی کلاسیک با محوریت یک قهرمان زن حفظ شود، اما در بخش‌هایی از فیلم، ریتم به‌شدت کند می‌شود و تکرار بیش از حد رفت‌وآمدهای شخصیت اصلی برای پیداکردن غذا و کمک به کودکان، باعث می‌شود روایت دچار کش‌آمدگی شود و ضرباهنگ خود را از دست بدهد.

الهه نوبخت، پخش‌کننده بین‌المللی فیلم، درباره انتخاب فیلمی ایرانی برای معرفی به آکادمی اسکار به «شرق» گفت: «بشخصه معتقدم «سرزمین فرشته‌ها» نمی‌تواند شانسی برای موفقیت در آکادمی اسکار داشته باشد».

او در ادامه درباره ظرفیت سینمای ایران برای حضور و موفقیت در عرصه جهانی گفت: «ظرفیت سینمای ایران با استعدادهای جوانش قطعا ظرفیت قابل قبول و خوبی است. اما باید به این موضوع هم دقت کرد که در سوی دیگر نظارت بر چگونگی ساخت آثار سینمایی هم وجود دارد. من زمان‌هایی را به خاطر می‌آورم که استعدادهای جوانی مثل هومن سیدی موفقیت‌های بزرگی را در عرصه بین‌المللی کسب کردند و استعدادهای دیگری مثل او در سینما ماندگار شدند. این روزها این واقعیت هم در سینمای ایران وجود دارد که برخی تمایل دارند تا در گونه‌ای دیگر از سینما که به سینمای زیرزمینی معروف است، فعالیت کنند که حتی تولید فیلم در سینمای زیرزمینی هم در حال حاضر بسیار گران و پرهزینه است. اما واقعیت این است که همچنان سینمای ایران ظرفیت بالای حضورهای بین‌المللی را دارد و جشنواره‌های معتبری در دنیا همچنان منتظر آثاری از سینمای ایران هستند و فکر می‌کنم اگر تا حدودی مسیر ساخت فیلم در ایران هموارتر شود و طبق خواست بسیاری از اهالی سینما حذف پروانه ساخت اتفاق بیفتد، شاید بتوانیم شاهد حضور فیلم‌سازان و استعدادهای بیشتری در سینمای ایران باشیم».

یادداشت

کولاژی ناپخته از چند موقعیت آیتمی

وحید سعیدی: «خانم والده» درست از لحظه‌ای که مقدمه‌چینی‌اش تمام شده و می‌خواهد وارد داستان شود، عیارش عیان می‌شود؛ از اینجاست که آرام‌آرام مخاطب می‌فهمد که «خانم والده» چند آیتم کمدی است که به هم چسبانده شده‌اند. هر آیتم یک ایده اولیه دارد، اما هیچ‌کدام فرصت رشد پیدا نمی‌کنند. موقعیت شکل می‌گیرد، شوخی نصفه‌ونیمه‌ای خلق می‌شود و فیلم بلافاصله سراغ آیتم بعدی می‌رود. اینجا خبری از تصاعد کمدی نیست. واکنش، پیامد و زنجیره موقعیت‌ها حذف شده‌اند. در نتیجه هر قطعه باید به‌تنهایی مخاطب را بخنداند؛ درحالی‌که خودش هم به اندازه کافی پرداخت نشده است. این همان‌جایی است که فیلم از سینما فاصله می‌گیرد و به منطق برنامه‌های آیتمی نزدیک می‌شود. حتی تدوین هم نمی‌تواند این گسست را پنهان کند. «خانم والده» مدام شروع می‌شود، اما کمتر چیزی را به پایان می‌رساند. این فیلم یک فیلم ماکروفری است؛ لحظات کمدی‌اش زود داغ می‌شود و خیلی هم زود از دهان می‌افتد. مشکل فیلم فقط چند حفره فیلم‌نامه‌ای نیست؛ خود منطق روایت از جایی به بعد فرو می‌ریزد. الگوی آشنای فیلم‌نامه‌های حمزه صالحی دوباره دیده می‌شود: یک ایده مرکزی شکل می‌گیرد، شخصیت‌ها وارد بازی می‌شوند، اما وقتی باید از دل کنش آنها موقعیت تازه‌ای ساخته شود، روایت راهش را گم می‌کند. بعد، اتفاق‌ها نه از دل اتفاق قبلی، بلکه برای رسیدن به شوخی بعدی رخ می‌دهند. این تفاوت کوچکی نیست. کمدی موقعیت بر منطق بنا می‌شود؛ هرچه موقعیت غیرمنطقی‌تر به نظر برسد، باید علت منطقی‌تری پشت آن باشد. «خانم والده» این قاعده را برعکس می‌کند. غیرمنطقی می‌شود تا خنده بگیرد؛ و چون منطق ندارد، خنده در نطفه خفه می‌شود و نویسنده خلأ آن را با شوخی‌های کلامی و جنسی پر می‌کند. ایراد عمیق‌تر، به نگاه فیلم برمی‌گردد. «خانم والده» نمی‌داند دقیقا قرار است چه چیزی را دست بیندازد. اگر «مادر» علی حاتمی متن مرجع است، باید رابطه روشنی با جهان آن فیلم بسازد. باید نشانه‌ها، مناسبات و لحن «مادر» را بشناسد و بعد آنها را وارونه کند. اما فیلم بیشتر به چند نشانه آشنا تکیه می‌کند؛ نشانه‌هایی که صرفا خاطره «مادر» را فعال می‌کنند. اینجا ارجاع جای تحلیل را گرفته است. «خانم والده» فیلم مادر را دستمایه پارودی نمی‌کند، فقط از حافظه مخاطب از فیلم زنده‌یاد حاتمی خرج می‌کند. به همین دلیل شوخی‌ها عمق نمی‌گیرند. «مادر» در اینجا سوژه هجو نیست؛ بیشتر یک میان‌بر نوستالژیک است برای رساندن مخاطب به یک شوخی آماده. پارودی یعنی شناختن یک متن و سپس بازی‌کردن با قواعد آن. صرفا لباس، لحن یا چند نشانه آشنا، پارودی نمی‌سازد.

یادداشت کامل را در سایت بخوانید

جدول ۵۴۲۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مکمل زیبایی رو- تاکیدشده- توضیح‌خواستن نمایندگان مجلس از وزیر ۲- از سازهای آرشه‌ای موسیقی سنتی ایران- اتومبیل- خدمتگزار ۳- بندری در ترکیه- واحد اندازه‌گیری طول‌های بسیار کوچک- حرف ندا ۴- ابریشم ناخالص- پارچه باریکی که به لبه آستین دوخته می‌شود- عارف نامی قرن سوم هجری و ملقب به سلطان‌العارفین ۵- لقب پادشاهان روسیه بود- پودر دستگاه پرینتر- ترش و شیرین ۶- انگشت- نوعی شناور دریایی برای حمل بارهای سنگین- تخصصی ۷- خرگوش عرب- از نام‌های حضرت فاطمه(س)- کامیون حمل مایعات ۸- اندوه- عظمت- واحد پول امارات- چیز ۹- ساعت مشهور لندن- معادل فارسی امکان- چهارمین حرف یونانی ۱۰- خاطر- پسران عرب- رسم و سنت ۱۱- جنازه- مجموعه‌ای از سلول‌ها- راه فرار ۱۲- محله‌ای در شمال شهر تهران- قطب منفی باتری- مأنوس ۱۳- ضمیری عربی- مستحق- پایتخت ویتنام ۱۴- سخن‌چین- از تیم‌های فوتبال اسپانیا- حلال رنگ ۱۵- یک‌هزارم متر- پدرمرده- سینوس ۹۰درجه

عمودی:

۱- گفتار- مجموعه‌شعری سروده شمس‌لنگرودی ۲- روادید- لطافت- همگانی ۳- روستای گردشگری مازندران- از محلات غرب تهران- خاندان ۴- نازل‌شده در مکه- نامادری- مطابق قانون و عرف اداری ۵- قابل شنیدن- آکروبات ۶- کاشف میکروب سل- عرضه و لیاقت- توبه‌کردن ۷- نویسنده رمان سه تفنگدار- کشف‌کردن- پسوند شباهت ۸- نوعی بیماری عفونی واگیردار- نوآوری خراسان- مشهور- کوچک‌ترین ذره ۱۳- مخالف- کره خاکی- نوعی بستنی ۱۴- قسمت‌های آغازین- ورزش گوش‌شکسته‌ها- آغشته به خون ۱۵- ژنرال هفت ستاره لقب این کشتی‌گیر ایرانی است- ستون

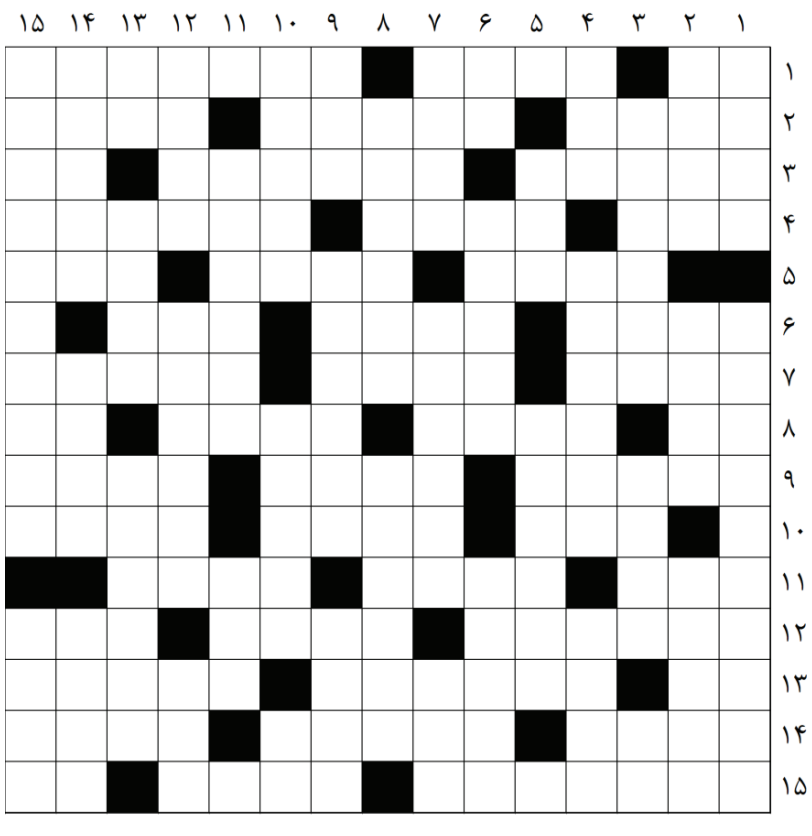

حل سودوکو ۴۴۱۷

۶	۸	۵	۲	۷	۳	۱	۴	۹
۹	۳	۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲
۲	۱	۴	۵	۸	۹	۶	۷	۳
۵	۶	۳	۸	۲	۴	۷	۹	۱
۸	۷	۹	۱	۶	۵	۲	۳	۴
۴	۲	۱	۹	۳	۷	۵	۶	۸
۷	۴	۸	۳	۱	۶	۹	۲	۵
۱	۵	۶	۴	۹	۲	۳	۸	۷
۳	۹	۲	۷	۵	۸	۴	۱	۶

۵	۷	۲	۴	۶	۳	۸	۱	۹
۳	۹	۴	۱	۲	۸	۵	۶	۷
۱	۶	۸	۹	۷	۵	۳	۴	۲
۲	۵	۷	۶	۴	۱	۹	۸	۳
۹	۳	۶	۵	۸	۲	۱	۷	۴
۴	۸	۱	۷	۳	۹	۲	۵	۶
۷	۱	۵	۲	۹	۶	۴	۳	۸
۸	۴	۹	۳	۱	۷	۶	۲	۵
۶	۲	۳	۸	۵	۴	۷	۹	۱

حل جدول ۵۴۲۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ن	س	ج	ا	م	■	م	ط	م	ی	ن	■	ح	ی
۲	ر	ه	ی	ن	■	و	ر	س	ا	ی	■	ص	ا	د	ق
۳	■	ا	ر	و	ب	ن	د	■	ع	ت	ب	ا	ت	■	ی
۴	ش	ن	■	ا	ر	ت	ی	س	ت	■	ت	ر	ل	ا	ن
۵	ب	ی	م	■	ب	ا	ف	ت	■	ر	و	ی	ا	ن	■
۶	ه	■	ش	ا	ر	ژ	■	ا	ذ	ی	ن	■	ف	ض	ا
۷	ق	د	ی	م	ی	■	د	ر	ه	ش	ه	ر	■	ب	گ
۸	ا	ی	ت	ی	■	ب	ر	ه	ن	ه	■	ا	گ	ا	ه
۹	ر	و	■	ن	ا	ر	ن	ج	ی	■	م	ج	س	ط	ی
۱۰	ه	ی	س	■	و	ا	گ	ن	■	ن	ی	ل	ی	■	ن
۱۱	■	د	ک	ا	ر	ت	■	و	ز	ا	ن	■	ل	ح	م
۱۲	س	ی	ن	م	ا	■	ش	ب	و	ر	و	ز	■	د	ا
۱۳	پ	■	ا	ن	ق	ض	ا	■	ل	ا	ر	و	خ	ا	■
۱۴	ه	س	ت	ی	■	ا	م	ر	ا	ض	■	ن	ا	ق	ه
۱۵	ر	ل	■	ت	ا	د	ی	ب	■	ی	د	ا	ل	ل	ه

سودوکو سخت ۴۴۱۸

۷					۲		۴	
			۳		۹	۲		
				۴		۳		۷
	۹	۶			۵			
			۶			۱	۸	
۵		۸		۳				
		۳	۴		۱			
	۷		۵					۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۴۱۸

	۳	۸		۶			۵	
		۹	۵				۱	
۵		۷	۱	۳	۲		۶	
				۷	۸	۴	۲	
			۹		۳			
	۸	۶	۲	۱				
	۶		۷	۲	۱	۵		۳
	۹				۶	۸		
	۱			۹		۶	۴	

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.